دو حکایت

تقلید مرحوم آیت‌الله کازرونی

خدا رحمت کند از علمای بزرگ یزد مرحوم آقای کازرونی[1] بودند. خیلی عالم جلیل القدری بودند. ایشان از ساداتِ مهم و از اساتید مهم حوزه یزد بلکه از اساتید حوزه اصفهان بودند در آن ابتدا که در آن جا درس می‌خواندند. از استادمان پرسیدم که در یزد مجتهد کیست؟ علما در آن جا خیلی بودند! فرمودند: اگر باشد آقای کازرونی است. این طور گفتند، اگر باشد آقای کازرونی.

آن وقت من یک وقتی پیش آقای کازرونی بودم، می‌خواستند بگویند مجتهدم -خدا رحمتشان کند خیلی حرف‌هایشان ملیح بود-

می‌گفتند که من اگر چشمم ببیند، گوشم بشنود، حال داشته باشم بروم مراجعه کنم هی ولی این هی را خیلی قشنگ می‌گفتند. هی یعنی بله، خدا رحمتشان کند، اگر چشمم ببیند، حال داشته باشم مراجعه کنم هی! بعد می‌گفتند نه چشمم می‌بیند، نه گوشم می‌شنود، نه حال دارم، پس من مجتهد هستم؟ می‌خواستند بگویند من تقلید می‌کنم، - تقلید یا احتیاط بین چند نفر می‌کردند-یعنی اجازه می‌دادند به خودشان که تقلید کنند. منظور حالا کسی است که «هی» می‌گوید که اگر این کارها را بکنم ولی این هی را ندارد، حالش را ندارد، آیا می‌توانیم بگوییم نمی‌تواند مقلد باشد؟

تقلید وحید بهبهانی از شاگرد شاگرد

حاج‌آقا می‌فرمودند مرحوم آقای نائینی بالای منبر می‌گفتند که از مواردی که استاد رجوع کرده به فتوای شاگردش -سابقه داشته که مراجع و اساتید با این که مجتهد بوده اما مثلاً بعضی چیزها پیش آمده بوده و خدشه می‌کرده- مرحوم آقای نائینی می‌گفتند از جاهایی که استاد رجوع کرده به فتوای شاگرد شاگردش مربوط می‌شود به بزرگترین فقهای اعصار مرحوم وحید بهبهانی.

معلوم است که وحید بهبهانی چه کسی بوده است. زمانی که سنشان خیلی بالا رفته و پیر شده بودند، مرحوم سیدبحرالعلوم به زیارت کربلا رفته و بعد به منزل استادشان وحید رفتند. وارد شدند و از وحید را بوسیدند -که مقدماتش را نقل می‌کردند- که وحید می‌گفت اگر حقّ استادی نبود نمی‌گذاشتم ولی ایشان بوسیده بوده و نشسته بودند. نزدیک ظهر هم بوده، وحید از سید می‌پرسند که شما کشمش را در برنج بریزند جایز می‌دانید یا خیر؟ سید می‌گوید من اشکال می‌کنم اما شیخ جعفر ما جایز می‌داند. شیخ جعفر کاشف الغطاء که شاگرد سید بوده و سید هم شاگرد وحید بوده است. می‌گفتند که وحید صدا زد به اندرون که درست کنید، درست کنید. آقای نائینی می‌گفتند که اینجا استاد به فتوای شاگرد شاگردش رجوع کرده است. استاد وحید بهبهانی است، شاگرد شاگرد هم شیخ جعفر کاشف الغطاء. خدا رحمتشان کند.

منظوراز این مراجعات است که مانعی ندارد کسی مجتهد باشد در عین حال یقلّد و در یک شرایطی به فتوای دیگری مراجعه میکند با هر شرایطی که خودش میداند[2].

---

[1] آیت الله میرزا سید علی محمد کازرونی فرزند میرزا سیدمحمد از عالمان برجسته دینی یزد در سده چهاردهم قمری می باشد.

خاندان کازرونی از کهن ترین و اصیل ترین خانواده های یزد و دارای پیشینه فرهنگی و ادبی و تجاری بودند.پدر آیت الله کازرونی ،دختر زاده مرحوم محمد صادق ناظم التجار از تجار معروف یزد بود که موقوفات زیادی از او در یزد باقی مانده و مادرشان بی بی فاطمه بیگم ،فرزند سیدجعفر کازرونی علویه ای بسیار محترم و از سکنات اخلاقی و فضائل ویژه ای برخوردار بود .

این روحانی و عالم بزرگ در سال 1317ق در یزد متولد شد .تحصیلات مقدماتی علوم حوزوی را در زادگاهش و در محضر بزرگانی چون آیت الله العظمی حاج میرسید علی مدرسی لب خندقی و آیت الله حاج سید حسین باغ گندمی آغاز کرد و شرح منظومه حکیم سبزواری ،عرفان و حکمت را نزد حاج شیخ غلامرضا یزدی فرا گرفت.

آنگاه تصمیم برای عزیمت به حوزه اصفهان گرفت اما پدر مخالفت می نمود .آیت الله کازرونی در این باره می فرمایند:«مرحوم پدرم با رفتن من به اصفهان چندان موافق نبودند.

من نظرم را با مرحوم آیت الله حاج شیخ غلامرضا یزدی در میان گذاشتم .آن بزرگوار فرمودند :من تلاش می کنم رضایت پدرتان را جلب نمایم.سرانجام به قصد اصفهان تا علی آباد پیشکوه رفته و در آنجا توقف کردم و به مرحوم حاج شیخ گفتم : من در علی آباد هستم و نمازم را احتیاطا جمع می خوانم تا شما رضایت قطعی پدرم را به من منعکس نمایید.

آن مرحوم نزد پدرم رفتند و فرمودند:آقا زاده شما طلبه ای متدین و مستعد می باشد و قصد رفتن به اصفهان را دارد و هم اکنون در علی آباد منتظر اجازه شما می باشد و هرگونه بود رضایت پدرم را به من منتقل نمودند و من هم با خوشحالی تمام به سفر خود به اصفهان ادامه دادم.»

پس از آن به منظور ادامه تحصیل و تکمیل تحصیلات خود طی دوسفر به اصفهان عزیمت کرد.

سفر اول به مدت سه سال و سفر دوم به مدت هفت سال به طول انجامید که در مجموع به مدت ده سال نزد علماء و دانشمندان بزرگ آن دیار از جمله :حاج سید علی نجف آبادی و حاج شیخ محمد حکیم،آیت الله سید العراقین،حاج محمد صادق عالم ،حاج میرزا احمد خراسانی ،آیت الله جزی تلمذ کرده و بهره های وافری از جست و استاد مسلم در فلسفه مشاء و حکمت صدرایی و از شاگردان پرآوازه میرزا محمد خراسانی شد و مدارج عالی اجتهاد را طی نمود.

آیت الله حاج شیخ محمد رضا مسجد شاهی اجازه نسبتا مفصلی مبنی بر اجتهاد ایشان نوشته و مراتب فضلش را مورد تایید قرار داد .

مرجع نامدار و بزرگ تشیع مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در نوشتاری تقلید را برایشان حرام دانسته و دیگر اساتید نیز کمالات علمی و فضایل اخلاقی ایشان را ستودند.

همچنین از مرحوم سیدالعراقین ،مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی ،شیخ محمد رضا مدرس و آخوند کاشی نیز اجازات اجتهادی را دریافت نمود.او در این دوران با مرحوم آیت الله سید روح الله

خاتمی هم دوره و هم حجره بود.

آنگاه آیت الله کازرونی به یزد بازگشت و در مدرسه مصلی حوزه درسی وسیعی تشکیل داد و به تدریس مقدمات ،فقه،اصول،تفسیر،منطق و فلسفه همت گمارد و طلاب زیادی را پرورش و تربیت نمود.

او در تدریس مسائل را دقیق موشکافی می کرد هر هفته امتحان می گرفت قدرت بیانش عالی بود بسیار شیوا تدریس می کرد و به همان نسبت انتظار داشت محصلین پاسخگو باشند.

ایشان در فقه و اصول حکمت و معقول مطالب جدیدی را طرح می کرد که در سایر حوزه ها چنین بیان نمی شد.بسیاری از روحانیون و علمایی که در حال حاضر حضور دارند و محضر پرفیض کازرونی را درک کرده اند بر این عقیده اند که در حال حاضر حوزه علمیه یزد به یک نفر همانند کازرونی نیاز دارد.

علامان و دانشمندان بزرگی چون حضرات آیات و حجج اسلام شهید محمد صدوقی ،حاج سید علی محمد علاقبند ،سید علی محمد وزیری ،شیخ علی اکبر سعیدی،حاج شیخ محمود علومی ،حاج میرزا حسن قافی،سید علیرضا مدرسی،و بسیاری دیگر از علمای معاصر یزد از شاگردان وی به شمار می رفتند.

مرحوم کازورنی بجد از علماء و صالحین محسوب و بسیاری او را استاد کل و استاد مسلم می دانستند .او حکیمانه می اندیشید ،هیبتی عارفانه و وقاری عالمانه داشت و به درس و مطالعه عشق می ورزید و حتی در سن هفتاد و پنج سالگی شبی پنج ساعت مطالعه می کرد.

آگاهیهای وی در همه زمینه های علوم دینی موجب حیرت بود.حکیمانه می اندیشید و چون رود می خروشید.محافل علمی و مباحث درسی وی سنگین و مالل آور و دقتهای ریزبینانه اش در امر درس و بحث بر فضلای جوان که در درس ایشان شرکت می کردند،گران بود.

در بیشتر علوم از جمله منطق ،فلسفه و فقه و اصول مهارت بسزایی داشت.مرحوم حجت الاسلام ابوالقاسم منقبی (امام جمعه موقت یزد و دامد شهید صدوقی) استاد خود را چنین توصیف می نماید:

«او از علمای بزرگ و محقق یزد بود.در نطق و فلسفه متبحر و در فقه و اصول زحمت کشیده بود.آقا شیخ محمد صدوقی از او با عنوان سیدنا الاستاد یاد می کرد.آن فقیه صدوق ،شرح منظومه حکیم سبزواری و مقداری از قوانین و شرح لمعه را نزد سید کازرونی خوانده بود.»

مولف محترم نجوم السرد می نویسد:«جناب آقای سید علی محمد کازرونی دام ظله دانشمندترین و فاضل ترین و با تقواترین افراد یزد می باشد و پدرش مرحوم سید محمد بازرگانی عادل و دانشمند بود.»

ازجمله اقدامات موثر و مهم مرحوم کازرونی را می توان به همکاری نزدیک و مجدانه و ی با علماء یزد(حاج شیخ غلامرضا ،شیخ احمد علومی،شهید صدوقی و حاج آقا وزیری) دانست که پس از شهریور 1320 و اخراج رضا شاه از کشور حوزه علمیه یزد را احیاء نمود و در این راه از هیچ کمکی دریغ نکرد.ایشان و آیت الله حاج احمد علومی برای مشمولین طلاب مجوز و تاییدیه صادر می کردند که به خدمت سربازی نروند.

آیت الله کازرونی از منافعت طبع و تواضع و تواضع خاصی برخوردار بود و هر چند خواص از علماء و فضلا از مراتب اخلاقی ایشان آگاهی داشتند اما همین تواضع و دوری از شهرت طلبی موجب شده بود تا توده مردم به ویژگیهای علمی و عملی ایشان بیگانه باشند.

وا عالمی بزرگ محقق ،فقیهی دقیق النظر و زانک اندیش و طنانز بود اما سخاوت و رکاکت در کلام ندا شت.بی نیازی مالی و غنای روحی و حریت فکری از وی شخصیتی ممتاز ساخته بود.

ایشان از دریافت وجوهات شرعی امتناع می ورزید و هرگز از آن استفاده نکرد .با اینکه در میان پررونق ترین و بزرگ ترین مساجد یزد خانه داشت اما از قبول امامت جماعت در آنها خودداری می کرد .مرحوم برخوردار به ایشان گفته بود امامت مسجد جدیدالتاسیس و بزرگ را باید بپذیرد و ایشان حتی با شفاعت و وساطت استادش مرحوم حاج شیخ این پیشنهاد را نپذیرفت.

فقط گاهی در مسجد ریگ و مسجد مدرسه خان نماز جماعت می خواند که تنها طلبه ها شرکت می کردند.این نماز هم آن قدر با تانی و توجه انجام می شد که غالبا در نماز دوم عده بسیار کمی باقی می ماندند. و بعد از نماز به مسائل فقهی می پرداخت.

آن مرحوم به اندازه ای خوش برخورد بود که هر کسی را به خود عالقمند می کرد و هرگز انسان از مجالست با آن بزرگوار احساس خستگی نمی کرد.ایشان در حوزه علمیه یزد معروف به دقت نظر و وسعت اطالعات بود و جامع معقول و منقول به حساب می آمد.

حاج شیخ غالمرضا یزدی به نظارت فقهی ایشان اعتماد کامل داشت و گاهی از ایشان درباره موضوعات مختلف نظر می خواست.معظم له عالقه ای شگفت و عاشقانه به حضرت سیدالشهدا و مجالس روضه خوانی داشت و در منزلش به صورت هفتگی روضه خوانی برپا می کرد و هم اکنون توسط خانواده محترمشان ادامه دارد.

وی هزینه زندگی اش را از راه زراعت و کشاورزی در زمین های که در محل سیدی میرزای فعلی یزد داشت و از پدرش به ارث برده بود تامین می کرد.

خودش نیز به کشاورزی و زراعت می پرداخت و در هنگام دریافت اجاره بهای زمین ها در موقع برداشت محصول شخصا به مزرعه حاج سید میرزا کاوزنی می رفت و پس از بازدید از زمین ها و چگونگی محصوالت اجاره بهاء را می نوشت.(سایت هیأت)

[2] آیتاللله شبیری زنجانی در اینباره میفرمایند: «شنیدهام که وحید بهبهانی در اواخر عمر خود را مجتهد نمیدانست و میگفت: سن من بالا، و قوای فکریام تحلیل رفته است و نمیتوانم استنباط کنم. لذا از شاگرد خود بحرالعلوم فتوا میپرسید و میگفت: شما فقط فتوا را بدون ذکر دلیل نقل کنید تا در آن شبهه پیدا نکنم.»(جرعهای از دریا، ج ۴ ص ۴۰۹)

بازبینی #1
ایجاد شده 13 مارس 2025 13:23:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 مارس 2025 13:24:17 توسط ... .